www.iranarchive.com

برگی از یکان

سال پنجم
مهرماه ۱۳۶۶
★ ارگان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★
قیمت: ۸۰ ریال
شماره ۵۰

اعلامیهٔ دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

همسونی جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا در افروختن آتش در جنگ خلیج فارس

در صفحه ۲

کارگران کردستان و لایحه جدید کار رژیم فقها

مجلس شورای اسلامی در ماه جاری (مهر ماه) مواد متعددی از لایحه جدید کار رژیم را به تصویب رسانیده است . اگر چه تصویب مجلس تنها خان اول از هفت خان اجرای قوانین در جمهوری اسلامی محسوب میشود و تازه قوانین تصویب شده چندین بار توسط شورای نگهبان جرح و تعدیل میگردد و در مرحله اجرانیز دچار

بقیه در صفحه ۲

بایکوت مزدوران رژیم ، جلوه‌ای از نفرت توده‌ها

ازدیر بازچنین بوده که رژیمهای ارتجاعی وضدانقلابی درمیان توده‌های زحمتکش منفورندو به همین دلیل مزدوران رژیم ولایت فقیه سالهاست که در کردستان در برابر خط عبورناپذیر نفرت توده ای بزانو درمیآیندودر هم می شکنند. سهروبرج وبارو رامیتوان بزور سلاح و جنگ افزاربرترتسخیرکرد. اما قلب آدمیان قلعه ای است عظیم که طلسم دروازه اش کلام کوچك دوستی وطبیعی است دشمن رادر این قلعه تسخیر ناپذیراهی نخواهد بود و کسی که قلبها راتسخیر نکند. هرگز امن و آسایش را باز نخواهد یافت . جنك روانی همواره عرصه

بقیه در صفحه ۱۷

نگاهی به مبارزات آوارگان شهر مریوان

پس از شروع گسترده جنگ شهرهادراسفندسال ۶۴ شهرهای کردستان نیز بیش از سایرنقاط مورد هجوم قرار گرفته و مرتبا زیرآتش توپخانه وهواپیماهای عراق قرار گرفتند تاجائی که بخش قابل توجهی از اهالی این شهرها مجبور گشتند خانه و کاشانه خودرا ترك گفته و آواره روستاهای اطراف و یاشهرهای دیگر گردند. در این میان شهر مریوان از جمله مناطقی بود که بیش از سایر نقاط زیر ضرب قرار گرفت و لذا در دوره‌هائی بصورت متروکه و خالی از سکنه درآمد و بخش از اهالی آن بطور دائم شهر را ترك گفته و آواره گشتند.

بخش اعظم آوارگان شهر مریوان بعلت نداشتن امکانات مالی در روستاها وشهرکهای کوچك در اطراف این شهر سکنی گزیده اند.

بقیه در صفحه ۶

در صفحه ۷

تشکلهای پایدار طبقه کارگر ستون فقرات جنبش خلق کرد (قسمت اول)

نگاهی کوتاه به عامترین شیوه‌های شکنجه در سیاهچالهای رژیم فقها

جنایت گری ددمنشی ، و چهره پلید و سیاه رژیم خونریز فقهابیش از هرجای دیگری خود را در زندانهاودربرخورد با زندانیان سیاسی مینمایاند.

بقیه در صفحه ۱۵

اعلامیهٔ دفتر سیاسی کمیتهٔ مرکزی
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

همسوئی جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا در افروختن آتش جنگ درخلیج فارس

کارگران ، زحمتکشان ، مردم آزادیخواه ایران ! نیروهای ترقی خواه جهان !

در روزهای اخیر درگیریهای نظامی در خلیج فارس روبه افزایش نهاده و آتش یک جنگ ارتجاعی در منطقه را بر افروخته است . حمله هلی کوپترهای آمریکایی به کشتی ایران اجر ، حمله موشکی ایران به یک کشتی آمریکایی و متعاقب آن حمله آمریکابه اسکله های نفتی ایران درخلیج فارس و به آتش کشاندن آنها همگی حاکی از آنست که اکنون خلیج فارس و دریای عمان به انفجار آمیزترین نقطه در آبهای سراسر جهان تبدیل شده است ، این وضعیت انفجاری ناشی از ادامه و گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق با شعارهای عوامفریبانه ضدامپریالیستی از طرف رژیم جنگ افروز ولایت فقیه و حضور مستقیم امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در ناتو به بهانه تامین آزادی کشتی رانی در خلیج فارس و دریای عمان می باشد .

پافشاری جنایتکارانه و دیوانه وار جمهوری اسلامی برای ادامه و گسترش جنگ در منطقه از آنروست که سران مرتجع رژیم اسلامی چشم انداز دست یابی به اهداف ارتجاعی خود را در این جنگ بیش از هر زمان دیگر تیره وتار می بینند و در بن بست کامل آن گرفتار آمده اند، اقدامات جنون آمیز رژیم اسلامی در ماههای اخیر ، از مین گذاری آبهای خلیج فارس و دریای عمان گرفته تا فراهم آوردن زمینه کشتار مکه و حملات نظامی به کویت ، فقط وفقط زمینه بهانه مناسبی برای تقویت وتحکیم حضور مستقیم امپریالیسم جهانی ودر راس آن امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

لشکر کشی بیسابقه امپریالیسم آمریکا وامپریالیستهای فرانسه و انگلیس و پاره ای از متحدان آنها در ناتو با بیش از صدکشتی جنگی و مین روب وبا بیش از ۴۰ هزار نفر ازنیروهای نظامی ناتو، به قصد تامین حضور نظامی امپریالیسم جهانی دراین منطقه استراتژیک ، حمایت از حکومتهای مرتجع و وابسته بخود و مقابله با احتمال تکوین و گسترش بحران انقلابی درپاره ای از کشورهای خلیج فارس صورت میگیرد. از انقلاب ایران به اینسو امپریالیسم آمریکاهمیشه دنبال فرصت و بهانه ای بوده است که حضور خودرا در منطقه هر چه بیشتر تقویت کند. اکنون ادامه جنگ وبازرسی های دریایی و مین گذاری درخلیج فارس وسایر اقدامات جنایتکارانه وعوامفریبانه رژیم اسلامی ، فرصت طلایی بدست امپریالیسم آمریکا داده است تاحضورنظامی مستقیم خودرا بمثابه ژاندارم منطقه بدون هیچ ملاحظه ای در منطقه تقویت کندوبه مداخله آشکارتر ومستقیم تری درجنگ ایران وعراق در جهت منافع جنایتکارانه خود دست بزند. جنگ افروزیهای جمهوری اسلامی ومداخلات میلیتاریستهای آمریکایی خطر واقعی گسترش جنگ درسراسر خلیج فارس و دریای عمان را افزایش داده و صلح جهانی را تهدید میکند .

رژیم جمهوری اسلامی پس از یورش نیروهای نظامی امپریالیسم جهانی به خلیج فارس باردیگر میکوشد روباروبی با آمریکا را عوامفریبانه "جنگ ضد امپریالیستی" وانمود سازد. خمینی میخواهد از نفرت ضدامپریالیستی مردم سوءاستفاده کند وتوده های ناآگاه را به حمایت از خود بکشاند و برای ادامه جنگ ارتجاعی ایران وعراق نیرو بسیج کند و با براه انداختن بالماسکه "ضد امپریالیستی" در سطح جهانی ، خود را از انزوای کامل بین المللی که در آن گرفتار آمده است خارج سازد .

www.iran-archive.com

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) ، یورش نظامی امپریالیستها به آبهای خلیج فارس و دریای عمان را شدیدا محکوم میکند و از مجامع بین‌المللی ونیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان میخواهد که از خواست عادلانه مردم ایران وعراق مبنی بر خاتمه فوری وبی قیدوشرط جنگ، صلحی بدون غرامت و الحاق طلبی و مبتنی بر حق تعیین سر نوشت هر دو کشور و خروج همه نیروهای خارجی از خلیج فارس پشتیبانی نمایند .

مـــردم آزاده ایـــران !

ماهیت ارتجاعی جنگ افروزانه و عوامفریبی "ضد امپریالیستی" جمهوری اسلامی را وسیعا افشاء کنید تا رژیم خمینی نتواند باحربه ای دیگر جنگ خانمانسوز را ادامه داده وزمینه وبهانه مناسب برای تقویت و تحکم حضور مستقیم امپریالیستها در منطقه فراهم سازد. تبلیغات واقدامات رزمجویانه خود را در شهرها و روستاها علیه جنگ وتوسعه طلبی رژیم گسترش دهید. تنها را مبارزه واقعی با امپریالیسم آمریکا برای کارگران و زحمتکشان ایران ، دست یافتن به اراده آزاد انقلابی و حق تعیین سرنوشت خودشان است و این جز با سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی امکان ناپذیر است .

مـــرگ بر جنگ! زنـــده بـــاد صـــلح! زنـــده بـــاد انقـــلاب!
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمـریکـا!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ـ برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

دفترسیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) ۳۰ مهر ماه ۱۳۶۶

نگاهی به مبارزات ...

... درخواست برحق آوارگـان مبنی برکشیدن برق به محل اسکان آنان مقابله نمایدسعی نموده با گرفتن مبالغ قابل توجهی پـول از آنان جلوی این درخواسـت برحق را بگیرد ، درهمین رابطه بخشی از آوارگان ساکـن در روستای "شویشه" از توابع مریوان به سیاست باج گیری رژیـم در مورد کشیدن برق اعتراض نمودند. درخواست کشیدن برق با توجه به آنکه در برخی از مناطق اطراف شهر مریوان بیش از هـز ار خانواده تجمع نموده انـد از جایگاه خاصی برخوردار است .

کارگران و زحمتکشـان مریوان که خانه و کاشانه خود را از دست داده اند طی مبارزات خود در ماههای گذشته نشـان دادند که سرسازش با سیاست های جنگ طلبانه رژیم فقها در جهت تبدیل آنان به گوشت دم توپ ندارند . ایـن مبارزات باید با جنبش عمومی ضد جنگ در سراسر ایران پیوند خورده و پیکان تیز حمله خود را همچنان علیه عامل تـداوم جنگ یعنی رژیم فقها نگه دارد زمینه های چنین حرکتـی از هم اکنون مشهود است . شعـار مرگ بر جمهوری اسلامی کـه در تجمع آوارگان در مقابـل شهرداری مریوان در جهـت دریافت کوپن خواربـار داده میشد موید این واقعیت است .

★★★

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

www.iran-archive.com

کارگران کردستان و لایحه جدید کار رژیم فقها

... مشکلات دیگری شده ومدتها معوق میماند (نظیر بند "ج" لایحه اصلاحات ارضی رژیم فقهاکه بالاخره پس از چندین سال پاسکاری بین مجلس و شورای نگهبان عملا حذف گردید) اما از هم اکنون نکات متعددی پیرامون مواد تصویب شده این لایحه روشن گردیده است که ماهیت ارتجاعی آنرا عیان میسازد . جمهوری اسلامی پس از آنکه دراثرمبارزات متحدانه طبقه کارگرطی سالهای گذشته، سه پیشنویس پیشنهادی‌اش برای قانون کار به تصویب نرسیدو کارگران پیشنویسهائی راکه بر مبنای بیاب اجاره در اسلام تنظیم گردیده بود به گورستان تاریخ سپردند این بار به تاکتیک جدیدی متوسل شده است . این تاکتیک عبارتست ازپذیرش ظاهری رفرمهایی در جهت بهبود وضع کارگران وعدم اجرای آن در عمل . بر ای پیشبرد تاکتیک فوق و عدم اجرای رفرمهای مطروحه در لایحه به ابزار اساسی دست زده است :

اول طوگیری از تشکل مستقل طبقه کارگر که امکان هرگونه نظارتی بر اجرای قانون را از کارگران سلب مینماید. دوم عدم شمول قانون کار به تمام بخشهای طبقه کارگر که عملا حتی در صورت اجرای آن شامل اقلیتی از طبقه کارگر خواهد بود .

سوم طرح مواد ضد و نقیض که یکی دیگری را نفی کرده وباعث عدم اجرای رفرمهای مطروحه در لایحه کار میگردد. حال به توضیح چگونگی کار کرد هریک از ابزارهای فوق میپردازیم .

یکی از محورهای اصلی لایحه جدید رژیم جمهوری اسلامی مقابله با تشکل مستقل کارگران میباشد. مبارزه طبقه کارگر درکردستان با توجه به تجارب سندیکائی بسیاری از کارگران کردستان دردوره بعد از قیام و ازسوی دیگر جو انقلابی حاکم براین منطقه اینک میرود تاابا ایجاد تشکلهای مستقل، خودواردمدازنوبنی گردد . حرکت متحدانه و پر شکوه اعتصاب به کوره پز خانه‌ها در منطقه بوکان در سال گذشته که حاکی از وجود تشکل در بین کارگران بود و از سوی دیگر طرح گسترده لزوم ایجاد تشکلهای پایدار طبقه کارگر در میان کارگران کرد و همچنین درخواست ایجاد سندیکادرحرکت اول ماه مه توسط کارگران سنندج گواه این حقیقت است . رژیم فقها سعی دارد تاابا ایجاد تشکلهای مزدور وابسته خود از قبیل انجمنها و شوراهای اسلامی جلوی تشکل مستقل کارگرا را بگیرد .

لایحه جدید کار شامل تمامی بخشهای طبقه کارگر نمیگردد، طبق این لایحه ارتجاعی تنها واحدهائی ملزم به اجرای قانون کار هستند که به نحوی از امکانات دولت استفاده میکنند. نگاهی گذ را به ترکیب طبقه کارگرو واحدهای تولیدی درکردستان نشان میدهد که اکثریت کارگران کردستان تحت پوشش این قانون قرار نمیگیرند. خیل عظیم کارگران کوره پزخانه‌ها بدلیل آنکه اولا کوره‌ها خصوصی بوده و ثانیا امکانات ویژه ای از دولت دریافت نمیدارند از این قانون مستثنی خواهند بود، به همین ترتیب کارگران ساختمانی و مهاجر، هم اینک حتی بسیاری از پروژه‌های راه سازی وساختمانی سازی دولتی در کردستان عمدتا توسط پیمانکاران بخش خصوصی اجرا میگردد که هیچ ضابطه ای بر کارگران این بخش حاکم نیست و طبق لایحه جدید نیز بدلیل آنکه این پیمانکاران از امکانات دولتی استفاده نمینمایند عملا از حوزه شمول قانون کار خارج میگردند و کاملا روشن است که کارگران کشاورزی نیز اساسا از حوزه شمول قانون کار خارج خواهند بود، چراکه اولا اکثر آنان پراکنده بوده و ثانیا کارفرمایان مربوطه هیچ کاری با دولت نداشته و حتی دولت از اینکه آنان کارگر دارند یا نه ، اطلاعی ندارد. تکلیف

◄

www.iranarchive.com

سایر بخشهای دیگر کارگران کردستان از قبیل کارگرانی که در دکانها یا واحدهای تولیدی کوچک و پراکنده مشغول بکار هستند نیز روشن است، چراکه اساساً بسیاری از این واحدها از طریق مواد اولیه قاچاق و قیمت بازار سیاه به تولید میپردازند و طبیعی است که تحت پوشش قانون کار کذائی قرار نگیرند. نگاهی گذرا به نمونه‌هائی از مبارزات کارگران کردستان طی سال گذشته مانند اعتصاب کارگران شهرداری مریوان، اعتصاب کارگران اداره راه سقز و اعتصابات کارگران کوره پزخانه‌ها، حاکی از آنست که بخش اعظم مبارزات کارگری در کردستان عموما در میان بخشهائی از کارگران بوده که تحت پوشش لایحه کار جدید قرار نمی گیرند.

اما وجه دیگری از کارکرد عدم شمول قانون کار بر ای بخشهای مختلف طبقه کارگر، ایجاد تفرقه در مبارزه متحد کارگران برای یک قانون کار دمکراتیک و انقلابی است. کارگران سنندج در مراسم اول ماه مه سال جاری که در نقاط مختلف این شهر برگزار گردید در درخواستهای مشترکی تکیه داشتند که وحدت این درخواستها با مطالبات سایر بخشهای طبقه کارگر ایران نشان دهنده آنست که اکنون مبارزه برای یک قانون کار انقلابی دمکراتیک عملا به مبارزه کل طبقه کارگر تبدیل گشته است. در بند ۴ قطعنامه صبحگاه کارگران سنندج در اول ماه امسال که در پاساژ عزتی این شهر و با شرکت بیش از دوهزار تن برگزار گردید آمده است: "ما کارگران از وزارت کار و امور اجتماعی در مورد نبودن قانون کار واقعی برای کلیه کارگران اعم از زن و مرد و تکیه نمودن بر اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌های ضد و نقیض اعتراض داشته و خواهان تدوین قانون کار مترقی و با شرکت نمایندگان واقعی کارگران میباشیم ..." همانطور که قطعنامه کارگران سنندج نیز خاطر نشان ساخته طرح مواد ضد و نقیض یکی از تاکتیکهای رژیم فقها برای عدم اجرای خواستهای کارگران میباشد، این تاکتیک از هم اکنون در مواد تصویب شده لایحه جدید کار مشهود است.

بعنوان مثال در لایحه جدید کار تعیین حداقل دستمزد متناسب با تورم که یکی از خواسته‌های طبقه کارگر است پذیرفته شده اما برای عدم اجرای آن در عمل تبصره‌های دیگری بدان اضافه گردیده که نقض کننده اصل فوق میباشد. اول اینکه حداقل دستمزد نه بطور سراسری بلکه بطور جداگانه برای رشته‌های صنعتی مختلف و مناطق گوناگون کشور تعیین خواهد شد. یعنی شورای عالی کار (که اکثریت آن از نمایندگان دولت و کارفرمایان تشکیل گردیده) برای رشته اتومبیل سازی حداقل دستمزد متفاوتی نسبت به رشته نساجی تعیین خواهدکرد و یا کارگران فرآورده‌های خوزستان دستمزدی متفاوت با کارگران در تهران خواهند داشت. بدین ترتیب دیگر جزئی بنام حداقل دستمزد معنائی نخواهد یافت چرا که همواره کارفرمایان و شورای عالی کار قادر خواهند بود در مناطق و شرایط متفاوت دستمزدی پائین تر از حداقل دستمزد در مناطق و یا رشته‌های دیگر تعیین نمایند. هدف رژیم از تبصره فوق آنست که در عین حالی که در برابر مبارزه متشکل کارگران یک رشته یا منطقه عقب نشینی میکند، با تعیین حداقل دستمزد پائین تر برای رشته‌ها و مناطق دیگر به سطح معیشت عموم کارگران ضربه گسترده‌تری را سازمان دهد. از سوی دیگر طبق ماده تصویب شده در مجلس، حداقل دستمزد متناسب با تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، و توسط شورای عالی کار تعیین خواهد شد. روشن است که تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی شرح تورم واقعی نیست چرا که در بهترین حالت صرفا تورم مربوط

بقیه در صفحه ۱۹

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

نگاهی به مبارزات آوارگان شهر مریوان

... دو شهرک "کانی دینار" و "جوجه سازی" و همچنین روستاهای "ازقبیل" و "له زیر"، "برده ره شه" و "سول آوا" اینک هزاران نفر از آوارگان مریوان را در خود جای داده است، آوارگانی که بدون حداقل امکانات زندگی در بدترین شرایط روز را به شب میرسانند.

رژیم زندگی ستیز فقیها که با ادامه جنگ ارتجاعی و دامن زدن به جنگ شهرها خود باعث آوارگی کارگران و زحمتکشان این شهر گردیده، با تلاش آنان جهت نجات خود از مرگ محتوم مقابله مینماید. رژیم فقیها در این تلاش ارتجاعی خود دلایل مشخصی دارد، اولا رژیم فقیها میخواهد با جلوگیری از خروج مردم از شهر و به کشتن دادن آنان ازاین مسئله بعنوان ابزار تبلیغاتی علیه رژیم عراق استفاده نماید، چراکه این رژیم ارزانترین سلاحی که در جنگ در اختیار دارد جان کارگران و زحمتکشان است. ثانیا رژیم با این کار خود را از پرداخت هرگونه کمک هزینه و دادن امکانات به آوارگان جنگی خلاص مینماید. ثالثا مهاجرت اهالی شهرهای کردستان و بطور مشخص شهر مریوان به روستاهای اطراف شهر، امکان ارتباط مستقیم آنان را با پیشمرگان و نیروهای انقلابی فراهم میآورد و این نکته ای است که رژیم فقیها بیش از هر چیز از آن میهراسد. همچنین آوارگی اهالی شهر در روستاها امکان کنترل دستگاههای سرکوب رژیم بر آنان را شدیدا کاهش میدهد. بنابر آنچه گفته شد سیاست اصلی رژیم فقیهادر رابطه با مهاجرین شهرهای کردستان فشاربه آنان برای بازگشت به شهراست اما این تنها یك طرف قضیه است، پتانسیل بالای جنبش توده ای در کردستان همواره دره عمیقی بین آنچه که رژیم میخواهد و آنچه که قادر به انجامش است ایجاد مینماید. طی سالهای گذشته مبارزات گسترده آوارگان شهرهای مریوان، بانه، سردشت، ربط و سایر مناطق عملا مانعی سر پیشبرد سیاستهای رژیم در رابطه با آوارگان بوده است.

در ماههای گذشته مبارزات آوارگان شهر مریوان به نسبت سایر مناطق از رشد و گسترش قابل توجهی برخوردار بوده، این مبارزات عمدتا حول سه محور جریان داشته است: ۱ـ مقابله با اجحافات و فشارهای رژیم برای باز گرداندن آنان به شهر ۲ـ تلاش در جهت گرفتن کوپن کالاهای مصرفی و سایر سهمیه های دولتی، ۳ـ فشاربه دولت در جهت برق کشی به روستاهاو محلهای اسکان آوارگان. در مبارزه وکشاکش حول هر سه محور فوق تاکتیکهای متفاوتی از جانب رژیم فقیها از یکسو و مهاجرین از سوی دیگر بکار گرفته شده است.

رژیم جمهوری اسلامی برای وادار ساختن مردم برای بازگشت به شهر ابتدا سعی نمود تا از طریق تهدید کارمندان دولت و کلیه حقوق بگیران اقدام نماید ولی این تاکتیك عملا باتحریم سایر مهاجرین به شکست کشیده شد و آن بخش از کارمندن نیز که تحت فشار رژیم در محل کارخود حاضر شده بودندبدلیل نبودن ارباب رجوع عملا ماندنشان بیهوده بود و لذا آنان نیز کار خود را ترك گفتند. آوارگان ساکن درشهرك کانی دینار در اطراف مریوان که تعداد آنان به هزار خانوار میرسد طی قطعنامه مشترکی در آواخر تابستان گذشته سیاست رژیم را در جهت فشار برای بازگشت آوارگان به شهر محکوم نمودند. مبارزه برای دریافت کوپن کالاهای مصرفی نیز جایگاه ویژه ای در حرکت مهاجرین داشته است، تجمع بیش از ۵۰۰ نفراز آوارگان مریوان در مقابل فرمانداری این شهر و اعتراض به نبود کوپن خواربارنمونه ای از این دست میباشد. مبارزات مهاجرین در این راستادر مواردی با عقب نشینی رژیم و دادن کوپن به آنان همراه بوده است.

رژیم فقیها در ماههای گذشته پس از آنکه نتوانست با

بقیه در صفحه ۳

www.iran-archive.com

تشکلهای پایدار طبقه کارگر ستون فقرات جنبش خلق کرد
(قسمت اول)

با قیام سراسری خلقها ؛ ایران ، جنبش طبقه کارگر در کردستان دور جدیدی از حیات خود را آغاز نمود. در این دوران کارگران کردستان بنا خواسته های مستقل خود پای در میدان مبارزه نهادند. ایجاد تشکلهای سندیکایی در سطح گسترده و سازماندهی مبارزات قهرمانانه کارگران توسط آنها در دوران انقلاب جزو افتخارات طبقه کارگر در این دوره از حیات مبارزاتیش میباشد. پس از اشغال شهرهای کردستان توسط رژیم ضد انقلابی ولایت فقیه ، اکثریت قریب به اتفاق این تشکلها از بین رفت و شکل سازماندهی سندیکایی علنی جای خود را به اشکال دیگری از مبارزه داد.

از سال ۶۳ بدینسو مبارزات کارگران کردستان مجددا یک روند صعودی را آغاز نموده است. اما در حال حاضر خصلت اصلی مبارزات کارگری تا کنون پراکندگی آن بوده است. ازهمین رو ضرورت متشکل نمودن مبارزات کارگران کردستان ، مهمترین وظیفه ای است که در برابر کمونیستها و کارگران پیشرو قرار دارد. جنبش کارگری در کردستان علی رغم پتانسیل مبارزاتی و کمیت بالای آن تا زمانی که از حالت پراکندگی و فقدان تشکل مستحکم وقدرتمند توده ای خارج نگردد، هرگز نمیتواند منهز طبقاتی خودرا بر جنبش خلق کرد بکوبد و آنرا تا پیروزی نهایی رهنمون گردد. ضرورت سازماندهی مبارزات کارگران نه تنها از نقطه نظر جنبش سوسیالیستی و کسب منافع ویژه طبقه کارگر بلکه از نقطه نظر منافع جنبش دمکراتیک و ملی نیز مطرح می باشد. چرا که جنبش خلق کرد مانند هر جنبش ملی دیگری هر گاه تحت رهبری طبقه کارگر قرار نگیرد، نمیتواند به پیروزی دست یابد.

یکی از اهرمهای اساسی و پایدار برای سازماندهی توده های کارگر و مبارزات روزمره طبقه کارگر، ایجاد سندیکاهای کارگری است. تشکل سندیکای کارگران ، ضرورتی است که از مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه ناشی میگردد ونه تنها در کل دوران حاکمیت نظام سرمایه داری بلکه پس از واژگونی آن و برقراری نظام سوسیالیستی نیز امر سازماندهی طبقاتی کارگران را متحقق میسازد. کارگران در مبارزهٔ اتحادیه ای خود از یکسو صف طبقاتی خویش را از سرمایه داران جدا کرده و نیروی رزمنده خود را در برابر آنان قرار میدهد و از سوی دیگر آحاد و گردانهای مختلف طبقه را متحد کرده وبرای مبارزات سرنوشت ساز آتی آماده میگردند. دقیقا در همین رابطه است که مارکس مبارزه اتحادیه ای را مدرسه انقلاب میداند و سازماندهی اتحادیه ها را ارکانی برای اداره جامعه سوسیالیستی. بدین ترتیب ایجاد تشکل سندیکایی قانونمندی عمومی مبارزه طبقاتی کارگران است و به هیچ وجه با شرایط سیاسی یا اقتصادی و سنن ملی و فرهنگی مشروط نمیگردد. این حقیقتی است که جنبش کمونیستی و تئوری سوسیالیزم علمی ازبدوپیدایش خود بر آن تاکید کرده اند وبه همین ترتیب ضرورت بر پای سندیکاها برای سازماندهی وحدت رزمنده طبقه کارگر در کردستان همانند سایر نقاط ایران و جهان امری است بیچون وچرا. واین تا بدانجاست که اساسا پذیرش ضرورت بر پایی سندیکاها و تلاش عملی در راه ایجاد این تشکلها مرزوفاداری به آرمان رهایی طبقه کارگر ، وفاداری به تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم و پا ضدیت با آن را ترسیم مینماید.

اما با این وجود، تاکید بر ضرورت عام بر پایی تشکلهای سندیکایی بمثابه تشکل صنفی ـ طبقاتی کارگران ، به هیچ وجه نمیتوان جایگزین بررسی مشخص شرایط حاکم بر مبارزهٔ طبقاتی کارگران گردد و نمیتوان شناخت ویژگیهای طبقه کارگردر هر بخش جداگانه و تاثیرات معینی که سنن ملی، فرهنگی و

◄

www.iran-archive.com

روابط اجتماعی هر منطقه و هر کشور بر روند ایجاد تشکلهای توده ای کارگران میگذارد، و آنرا بفراموشی سپرد. بدون شناخت مشخص از وضعیت طبقه کارگر در همه جوانب آن، نمیتوان سازمان مستحکم و قدرتمند طبقاتی کارگران را بوجودآورد.

قبل از هر چیز مهمترین عاملی که در مبارزه کارگران کردستان تاثیر میگذارد تداوم جنبش مسلحانه در این منطقه است. این سطح بالا از مبارزه انقلابی بدون تردید روحیه مبارزه جویی و اتحاد کارگران را بالا میبرد و دقیقا درهمین رابطه است که ما در کردستان با کمیت بالائی از مبارزات کارگری روبروهستیم. اما وجه اعلی تاثیر شرایط عمومی جنبش خلق کرد بر جنبش کارگری را باید در شرایط آماده تر برای فعالیت سازمانگرانه و آگاهگرانه در میان کارگران جستجو نمود. واقعیت این است که کارگران در کردستان با راحتی بیشتری میتوانند خواست های خود را بیان کنند، و با به تجمع، اعتصاب یا تظاهرات اقدام نمایند. در رابطه با سطح بالای مبارزاتی، رژیم ولایت فقیه مجبور است سطح معینی از تشکل و مبارزه را در میان کارگران کرد تحمل نماید و به همین دلیل امکان فعالیت علنی در رابطه با ایجاد تشکلهای توده ای نسبت به سایر نقاط ایران بیشتر است. نمونه برجسته چنین وضعی برگزاری مراسم اول ماه مه در سنندج بود. کارگران در این روز نه تنها توانستند مراسم جمعی برگزار نمایند، بلکه قطعنامه ای در رابطه با خواستهای خود به تصویب رسانده و در پایان اقدام به راهپیمایی نمودند.

در کنار این امر هم چنان فضای سرکوب و تعقیب و دستگیری فعالین کارگری ادامه دارد. این درست است که رژیم ولایت فقیه قادر نیست تمام و کمال جنبش توده ای را در کردستان سرکوب نماید، اما این به هیچ وجه بدین معنا نیست که رژیم از بکارگیری شیوه های گوناگون و پیچیده تر برای سرکوب تشکلهای توده ای و بطور مشخص دستگیری با ترور فعالین کارگری خودداری ورزد. به همین دلیل کاملا ضروری است که هسته رهبری کننده تشکلهای توده ای عمدتا بصورت مخفی فعالیت خود را سازمان دهد و بعبارت دقیقتر نباید تمام ارتباطات و تمام فعالین و رهبران عملی کارگری علنی شوند. تا از این طریق ادامه کاری تشکلهای توده ای تامین گردد و به هیچ وجه ضربات وارده به جنبش کارگری استخوانبندی آنرا متلاشی نکند.

بدین ترتیب سازماندهی تشکلهای توده ای کارگران در کردستان باید در عین اتکاء به هسته های مخفی کارگران پیشرو از امکانات علنی فعالیت به نحو احسن استفاده نماید و در واقع تلفیق کار مخفی و علنی مانند سراسر ایران ضروری است.

با این تفاوت که بار فعالیت علنی بطور نسبی بیش از سایر نقاط ایران امکان پذیر است. نمونه برگزاری مراسم اول ماه مه در سنندج و تدارک آن از پیش عملا نوعی اعلام موجودیت برای برپایی تشکلهای سندیکایی بود. این کار هنوز در سایر نقاط ایران به این صورت گسترده در سطح یک شهر امکان پذیر نیست. یا اینکه نمونه اعتصاب ۵۰ کوره پزخانهٔ بوکان بیان هماهنگی مبارزاتی میان آنان است که زمینه عینی ایجاد تشکلهای توده ای را در سطح گسترده نشان میدهد، و این خود اولین ویژگی شرایط مشخص جنبش کارگری و امکانات موجود برای تشکلهای سندیکایی کارگران در کردستان است.

دومین عاملی که بر مبارزات کارگران تاثیر میگذارد، عامل اقتصادی و به عبارت دقیقتر ساخت ابتدایی و عقب مانده صنعت در کردستان است. در منطقه کردستان کارخانه جات صنعتی بشدت محدود است و ازهمین رو کارگران کرد اساسا بصورت فصلی یا مهاجر بکار مشغول میشوند. بنابراین غیر متمرکز بوده و بسختی سازمانپذیرند. این عامل بر چگونگی سازمانیابی سندیکاهای کارگری تاثیر مستقیم دارد. از یکسو مرکز تجمع و تشکل را ازمحل کار خارج کرده و به پاتوقهای کارگری یا میادین کار منتقل میسازد و از سوی دیگر باید شیوه های متنوع و پیچیده تری را

◄

www.iran-archive.com

برای سازماندهی توده ای کارگران بکار بست.

ساخت پراکنده کارگران در کردستان درعین حال تا حدود معینی بر نقشه فعالیت ما در میان کارگران و اولویت بندی ما نیز تاثیر میگذارد وآنرا با سایر نقاط ایران متفاوت میسازد. بعنوان مثال درکل ایران ما به تبعیت از اولویت بندی برای کار در میان اقشار مختلف طبقه کارگر، فعالیت سازمانگرانه خود را اساسا در بخشهای صنعتی و متمرکز که ستون فقرات طبقه کارگرمحسوب میگردد، قرار میدهیم. در سایر نقاط ایران بویژه قطبهای صنعتی مانند استان مرکزی، استان اصفهان و استان زنجان وخوزستان و امثالهم کارگران شاغل در واحدهای تولیدی نه تنها از نظر کیفی بلکه از نظر کمی نیز از آن چنان قدرتی برخوردارند که میتوانند بخش وسیعی از کارگران پراکنده را حول خویش سازمان دهند و گرد آورند. بنابر این حتی اگر ما در مراکز صنعتی ایران بتوانیم صرفا همین اولویت اول خود را به نحو احسن به اجرا در آوریم، میتوانیم به اهداف استراتژیک خویش دست یابیم. بدین معنا که ما در حوالی هم بود هژمونی و اقتدار طبقه کارگر را در جامعه و برای متحد ساختن تمامی زحمتکشان حول طبقه کارگر متحقق سازیم.

اما در کردستان وضع به گونه دیگری است، روشن است که در کردستان نیزدرکارخانه جات و واحدهای تولیدی صنعتی با کیفیت و سهولت بیشتری میتوان امر سازماندهی تشکلهای توده ای را پیش برد و قطعاً ما باید قبل از هر چیز در میان کارگران واحدهای تولیدی مستقر شویم، اما این استقرار به هیچ وجه نمیتوان جایگزین اهمیت فعالیت در میان بخشهای دیگر کارگران گردد. چرا که کیفیت مناسب کارگران شاغل در واحدهای تولیدی صنعتی، با کمیت کافی همراه نیست تا از طریق سازمانیابی این بخش بتوان اهرم اساسی سازماندهی کل کارگران کردستان و تامین هژمونی جنبش کارگری بر جنبش ملی ـ دمکراتیک را در دست گرفت. بنابر این در کردستان باید کار درمیان کارگران صنعتی و فصلی راهمراه وهمزمان به پیش برد تا کمیت و کیفیت مناسب برای سازماندهی هژمونی و اقتدار طبقاتی کارگران در درون جنبش ملی ـ دمکراتیک و پیروزی قطعی جنبش حاصل شود.

پس از این ملاحظات عمومی در رابطه با ویژگیها و مختصات جنبش کارگری درکردستان اینک باید به قشر بندی و ویژگیهای هر بخش از کارگران کرد پرداخت.

قبل از هر چیز کارگران کرد را باید به دو بخش ثابت و فصلی تقسیم نمود.

بخش ثابت، کارگران شاغل در کارخانه جات مانند شاهو پوشاک سنندج وکارگران بخش خدمات دولتی مانند آب، برق راه، شهرداریها و غیره را در بر میگیرد. و بخش فصلی، شامل کارگران ساختمانی، کوره پزخانه ـ ها و کارگران مهاجر و کارگران کشاورزی و روستایی میباشد.

بخش اعظم کارگران ثابت شاغل در کارخانه جات یا ادارات دولتی نسبت به کارگران فصلی آگاهتر و سازمانپذیرترند. اما این حکم به هیچ وجه در مورد تمامی کارگران ثابت یا تمامی لایه های مختلف کارگران فصلی صادق نیست. بطور کلی معیار سنجش سطح آگاهی و توان سازمانیابی به درجه تمرکز و نوع کار کارگران مربوط است بعنوان مثال کارگرانی که در بیمارستانهای دولتی کارمیکنند اغلب پراکنده بوده واز سطح آگاهی پائینی برخوردارند و روشن است که تنها مسئله ثابت بودن کار آنان نمی تواندتنها ملاک و معیار برای تعیین اولویت کار در میان آنان بشمار آید. از میان کارگران ثابت، ما باید قبل از همه به کارگران شاغل در کارخانجات و بخشهای صنعتی دولتی مانند آب و برق و راهسازی توجه کرده و فعالیت سازمانگر خود را برای ایجاد تشکلهای توده ای در میان این بخش

بقیه در صفحه ۱۹

کارگران! با ایجاد اتحادیه، سنگری برای پیکار با خودکامگی و بهره کشی بپا کنیم!

www.iran-archive.com

سکتاریسم مزمن حزب کمونیست کومه‌له

و ضرورت اتحاد گرایشات درون جنبش کارگری

مدتهاست حزب کمونیست کومه‌له که جدیدا عناوین دهن پرکنی چون کمونیزم کارگری را نیز بر مجموعه القـــاب خود افزوده است، بسختی در چنبره تناقض سکتاریسم ریشه‌دار خودو الزامات عینی جنبش رو به گسترش طبقـــه کـــارگر گـــرفتار آمـده است و توسل به عباراتی چـــون کمونیزم کارگری نیز نه تنهـا نمی تواند این تناقض را حـل کند، بلکه آنرا شدت وحـــدت بیشتری می بخشد. این معضـــل بویژه پس از شدت گیری مبارزه کارگران برای کسب قانون کار انقلابی ـ دمکراتیک و امتنـــاع سکتاریستی حزب کمونیست کومه‌له از شرکت در اتحاد عمل برای سازماندهی این مبارزه برجستگی بیشتری یافته است.

در همین رابطه آقای مقدم در مقاله "قانون کار و اتحـاد گرایشات درون جنبش کارگـــری" مندرج در کمونیست شمارهٔ ۳۲ سعی کرده است ضمن تاکیـد بـر ضرورت اتحادعمل در درون جنبش کارگری و اعلام وفاداری به آن، به‌طور ضمنی دلایل امتناع حزب کمونیست کومه‌له را ازشرکت‌در اتحاد عمل برای سازمـانـدهی مبارزه کارگران حول پلاتفـــرم مشترک قانون کار انقلابـــی ـ دمکراتیک توجیه نمایدو بدین ترتیب تناقض فوق الذکر راحل کند. اما این تلاش نه تنها ره به جایی نبرده است بلکه مقالـه مزبور خود سند گویایی است بر موجودیت این تناقض وناتوانی حزب کمونیست کومه‌له برای خروج از چنبرهٔ خرد کننده آن.

آقای مقدم ابتدا وضـــع نابسامان جنبش کارگـــری و پراکندگی آنرا چه درمبارزه بر سر قانون کار و چـــه در مبارزه برای خواستهای موردی دیگر توصیف کرده و به درست میگوید: "منافع طبقه کـــارگـر ایجاب میکند که این ضعف ازمیان برداشته شود. اتحاد گرایشات درون جنبش کارگری حول یـــک قانون کار دمکراتیک و مبارزه علیه "لایحه کار" در همین راستا ودر پاسخگویی به این نیـــاز جنبش کارگری است". وی درادامه هم‌چنین بر خصلت فراگیروعمومی خواستها و شعارهای کارگران تاکید کرده باز هم بدرســـت مینویسد: "لازمه خاتمه دادن‌به چنین وضعی متحد کردن مبارزات کارگربست. وحدت در شعارهـــا گام مقدم هر نوع وحـــدت در مبارزه است، شعارهایی کـــه خصلت عمومی و فراگیرخواستهای کارگران را در زمینـــه‌های مختلف بطور مشخص بیان کنـد و دستیابی به آنرا از نیـــروی طبقه کارگر طلب نماید."

تا اینجا معلوم میشود که حزب کمونیست کومه‌له نه‌تنها خواهان اتحاد گرایشات درون جنبش کارگری است، بلکه خواهان طرح خواستها و شعـــارهـــای فراگیر و عمومی است تا تمـــام نیروی طبقه کارگر را بـــرای کسب آنها فراخواند و متحـــد سازد. و طبیعی است خواننده ای که قلبش برای آرمان پیـــروزی‌و رهایی طبقه کارگر می تپد از از خواندن این سطور به‌وجدآید و بر نگرش همه جانبه و فارغ از فرقه‌گرایی وتنـــگ نظـری نویسنده آن آفرین گوید. واگر خواننده با مواضع‌حزب‌کمونیست کومه‌له اندك آشنایی داشتـــه باشد با ناباوری و تردیـــد و تعجب بار دیگر آنچـــه را کـــه خوانده مجددا مرور کرده‌وچه‌بسا برای حصول اطمینان نام‌و آرم نشریه کمونیست را نیزبازبینی خواهد نمود. آیا آفتاب ازغرب طلوع کرده یا رهبران حزبی کـه الحق باید آنرا ســـرآمـد سکتاریستها و فرقه گرایـــان بشمار آورد، یك شبه ره‌صدساله رفته اند، تنگ نظری خرده‌بورژوا ـ یی را رها کرده و الزامات عینـــی جنبش کـــارگـــری‌را پذیرفته اند؟ براستی چه پیـــش آمده است؟

اما مثل معروفی می گوید از حول طبیم نباید در دیـــك افتاد و همانطور که جوجـــه‌را آخر پاییز می شمارند، قضاوت نهایی در مورد درجه پختگی و

بقیه در صفحه ۱۸

www.iran-archive.com

مقاله کارگران سیاه علیه سلطه ترور می رزمند گزارش مستندی است از رزم شکوهمند طبقه کارگر آفریقای جنوبی علیه رژیم نژاد پرست این کشور و برای کسب آزادی و سوسیالیزم . مبارزه قهرمان کارگران سیاه ، سوئه در رابطه با برپائی تشکلهای توده ای تحت سلطه شوم نژاد پرستی و جایگاه این ارگانها در سازماندهی و پیشبرد انقلاب درسهای بسیاری در بر دارد که میتواند طبقه کارگر سراسر ایران را در مبارزه اش بر ای آزادی وسوسیالیزم یاری رساند .

لازم به ذکر است که این مقاله بر مبنای گزارشات مندرج در ارگان مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی تهیه شده است .

هیئت تحریریه

کارگران سیاه علیه سلطه ترور می رزمند (۱)

• کوساتو به پیش می رود

کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو cosatu) در ۳۰ نوامبر ۱۹۸۵ طی وضعیت فوق العاده ای که از زولای همان سال آغاز و در مارس ۸۶ خاتمه یافته بود، آغاز بکارکرد . دردوازدهم ژوئن ۱۹۸۶ هنگامیکه تنها شش ماه از عمر کوساتو میگذشت رژیم نژادپرست وضعیت فوق العاده ای دیگر را اعلام نمود . درجریان وضع فوق العاده هزاران انقلابی که در بین آنها فعالین اتحادیه نیز وجود داشتند، دستگیر شدند.

اما اعضای اتحادیه و کارگران بخش تجارت و تهیه مواد غذایی یکی از شاخه های کوساتو رهبری را بدست گرفتند و با اعتصاب و تحصن در محل فروشگاهها از خواست آزادی رهبران اتحادیه ها حمایت کردند . شاخه دیگر کوساتو اتحادیه کارگران فلز کار ـ به اقدامات قانون علیه رژیم دست زد و حق برگزاری متینگ را برای اتحادیه ها کسب نمود .

مقررات اعلام شده در دسامبر ۱۹۸۶ و ژانویه و آوریل ۸۷ وضعیت فوق العاده جاری را بار دیگر نسبت به دور قبلی سخت تر نمود . علیرغم برگزاری انتخابات شهرداری در ۶ می هیچ نشانه ای دال بر الغای وضعیت فوق العاده و بازداشتهای طولانی ، سانسور وسایل ارتباط جمعی و خاموش کردن تمام منابع خبری در رابطه با اقدامات سرکوبگرانه ارتش و پلیس و نیروهای امنیتی وجود نداشت . کمیته حمایت از خانواده بازداشت شدگان در گزارش سالانه خود اعلام نمود که افریقای جنوبی یک بازداشتگاه بزرگ است. ۲۵۰۰۰ تن از ۲۸۰۴۷۱ دستگیر شده سال گذشته هنوز در بازداشت بسر میبرند و ۲۸۴۰ نفر دیگر نیز طبق قانون امنیت شهری بازداشت شده اند، که از این تعداد ۱۰۰۰۰ کودک بیش از ۲۰۰ ۲ تن کودک خردسال میباشند . پس از ۲۲۵ روز حاکمیت وضعیت فوق العاده نزدیک به ۳۰۰۰ نفر طی درگیریهای سیاسی کشته شده اند .

گروه بررسی کار اعلام کرده است که حداقل ۶۱۴ فعال اتحادیه از آغاز وضعیت فوق العاده دستگیر شده اند . و حداقل ۲۰۰۰ کارگر در خلال منازعات گوناگون تحت بازداشت جمعی قرار دارند .

درگزارش وزیر زندانها به پارلمان نژاد پرست افریقای جنوبی آمده است که زندانها بیش از ۲۰۰٪ ظرفیتشان پر است .

بدین ترتیب اعمال ترور توسط رژیم نژاد پرست موجب قتل و کشتار مردان وزنان، جوانان وپیران شده است آفریقای جنوبی در بحران عمیقی بسر میبرد که تمام عرصه های زندگی کشور را در بر گرفته است . وضعیت فوق العاده هر چه شدیدتر و دائمی تر برقرار است . آن طور که الیور تامبو میگوید .

"وضعیت فوق العاده به این دلیل وجود دارد که دشمن نمیتواند حکومت کند مگر با فراخواندن ارتش، معلق کردن قانون واستفاده

◄

www.iran-archive.com

از زور ـ زور عریان و نیروی خشن . اما مردم ما مبارزه تحت شرایطی را که منجر به اعلام وضعیت فوق العاده شد فرا گرفته اند."

رژیم آپارتاید نمی تواند آفریقای جنوبی را از این بحران نجات دهد ،زیرا او خود سبب این بحران است . این بحرانی است بین رژیم نژادپرست اقلیت سفید وخواست سیاه پوستان برای حاکمیت اکثریت برمبنای هر فرد یک رای،علیرغم این خطرات جنبش اتحادیه‌ای کارگران هنوز ساختهای اصلی خود را داردوبه بسیج بخش وسیعی از کارگران برای مقاومت در برابر رژیم نژاد پرست و مزدوران طبقه به گوش سیاه آن ادمه میدهد.

• نقش کوساتو در سازماندهی مبارزه کارگران

در پایان فوریه ۱۹۸۷ هیات اجرائیه کوساتو در پیامی خطاب به تمام اعضای اتحادیه ضمن بررسی کمبودهای سال گذشته ، بر ضرورت گسترش مبارزه قدرتمند کارگران تاکید کرد. سالگذشته کوساتو بزرگترین تظاهرات تاریخ آفریقای جنوبی را دربزرگداشت روزاول ماه مه سازماندهی کرده بود در این تظاهرات که توسط دانش آموزان ، دانشجویان وکمیته های محلی حمایت شده بود ۱/۵ میلیون نفر شرکت کردند و خواهان اعلام اول ماه مه بعنوان تعطیل عمومی شدند.همچنین بمناسبت دهمین سالگرد قیام سوتو دهها هزار کارگردر بزرگداشت این روز دست از کار کشیدند. اما با این همه هیات اجرایی در بیانیه خوداز عدم حمایت فعال از تظاهرات علیه حالت فوق العاده و اعتراض به کشتار کارگران در سارم کول (sarmcol)و خانواده هایشان کواماکوتا (KwaMaKutha)در دسامبر ۱۹۸۶ انتقاد کرد و از همه اعضا درخواست نمودکه شعار محوری کوساتو"تعرض به یک نفر، تعرض به همه است" را راهنمای عمل خویش قرار دهند. هیات اجرائیه کوساتو ضمن انتقاد از شکست طرح ادغام ۳۲ شاخه اتحادیه ای در ۱۴ سازمان وسیعتر ، در بیانیه خود یادآور شدکه وقتی کارفرمایان و دولت می بینند مادر برگذاری یکپارچه تظاهرات ژوئن و دسامبر شکست خوردیم اعتماد به نفس بیشتری کسب کرده وبر روی این شکست ها بعنوان نقطه ضعف متمرکز می‌شوند.

بر مبنای همین تکیه برپیروزی وتجربه اندوزی از شکستهاست که کوساتو طی ۱۸ ماه مبارزه خستگی ناپذیرگام بزرگی به جلوبرداشته است.کوساتو در حرکت خویش به جلو، اثبات کرد که ارزیابی آندریو لوی تحلیل گر ضد انقلابی دولت از این اتحادیه بعنوان یک فدراسیون غیر متحد و آسیب پذیر ، فقط وفقط بیان آرزوهای کارفرمایان و دولت حامی آنان است . طبق آمار رسمی سال ۱۹۸۳ بیش از ۹ میلیون نفر نیروی شاغل وجود داشت که از این تعداد بیش از ۱/۵ میلیون نفر یعنی ۲۵ ٪ شاغلین در ۲۴ اتحادیه سازمان یافته بودند و کارگران سیاه تشکیل اتحادیه ۴۳٪ازنیروهای سازمان‌یافته را تشکیل میدادند . اما درحال حاضرکل کارگران ۱۲ میلیون نفر بر آورد می شود که از میان آنان بیش از ۳میلیون نفردر ۳۰۰ اتحادیه متشکل شده اند. کوساتو نه فقط در گسترش جنبش اتحادیه طبقه نقش فعالی بازی کرده است ، بلکه مهمتراز آن درتغییر ساخت اتحادیه ها باکیفیت بالاتر به نحو برجسته ای موثر بوده است سیاست کوساتو در ایجاد اتحادیه های سراسری ملی برمبنای کادر حرفه ای و سبک کار دمکراتیک که دائما با اعضای اتحادیه به مشاوره میپردازد، نتایج درخشانی به بار آورد وبرپایداری فعالین اتحادیه در برابر مقرارت بی رحمانه دولت و کارفرمایان افزود. امروزه اتحادیه ها دهها هزار رهبر عملی وفعال اتحادیه رادرگارگاهها مزارع و معادن به نحو احسن سازمان داده اند

کوساتو امروزه هدف جدی ترین حملات سرکوبگرانه رژیم نژادپرست است.این حملات از ۱۹۶۰ بدینسو بیسابقه بوده است . ظهورکوساتو از جانب دولت همواره یک مسئله جدی تلقی شده است . اما کوساتو با تکیه بر رهبری دمکراتیک توانست به خوبی سازمان یافته و تقویت گردد. سال ۱۹۸۶ بدترین نمونه طی دهه اخیر بود. دستمزدهادر بخش تولید بطورواقعی

www.iran-archive.com

کاهش یافت و در بخش معادن پائین‌ترین دستمزدها پرداخت میشد. علی رغم این رکود شدید که بسیاری از کارگران را بیکار کرد و در شرایطی که ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نیروی کار تازه وارد بازار شده بود، اتحادیه‌ها موفق شدند درجه بالایی از مبارزه جویی خود را حفظ کنند.

نگاهی گذرا به آمار اعتصابات بروشنی این مسئله را نشان میدهد. تعداد اعتصابات از ۳۸۹ مورد در سال ۱۹۸۵ به ۶۴۳ مورد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت و علاوه بر آن ۱۵۰ مورد توقف کار اتفاق افتاد و اعتصابها مرتبا سر سختانه‌تر و طولانی‌تر شدند. بعنوان مثال ۲۶۶ بار برای سرکوب اعتصاب از پلیس کمک خواسته شد.

در عین حال وضع قانون، بیان فشار فزاینده علیه جنبش کارگری است. این فشارها عبارتند از مقررات وضعیت فوق‌العاده، بازداشت فعالین اتحادیه، حمله‌های حساب شده علیه اتحادیه کارگران فلزکار درناتال، تبعید رهبران اتحادیه ملی معادن و اتحادیه کارگران شیمی صنعتی، ممنوعیت دعوت به اعتصاب و بایکوت معرف و امثالهم. از جمله طرح قانون جدید، اصلاح روابط کار دو حکم یورش جنایت کارانه ای بود علیه جنبش کارگری. همچنین کارفرمایان باتکیه بر مفاهیم گنگی مانند اجرای نادرست کار، اقدامات خود را علیه کارگران سازمان میدادند.

اما این تلاش بیهوده رژیم نژادپرست از پیش محکوم به شکست بود. چرا که بخش سازمان یافته جنبش اتحادیه ای تحت وضعیت فوق‌العاده در جهار چوب مبارزه توده ای عمومی نبرد خونین را سازمان میدهد و رژیم نژاد پرست در برابر جنبش عمومی توده‌ها مدتهاست که سلطانی خویش را عیان ساخته است.

• فاجعه‌ای کوساتو

بزرگترین شاخه کوساتو، اتحادیه ملی کارگران معدن یا به اختصار "نام" میباشد. این شاخه در جولای ۱۹۸۲ بنیانگذاری شد ودر ابتدا تنها ۶۰۰۰ عضو داشت و امروزه ۳۶۰ هزار عضو دارد. این رشد عظیم نتیجه استراتژی و تاکتیک صحیحی است که با دقت شگفت انگیزی با نیازها و آگاهی کارگران تطابق یافته است کیفیت رهبری این شاخه و وفاداری آن به اعضا چنان بالاست که افسانه قبلا رایج مبنی براین که معدنکاران آفریقایی اتحادیه نمی خواهند و اگر هم بخواهند از ساختن آن ناتوانند را تماما درهم شکسته است. دبیر کل "نام" سیریل راما فوزا این موفقیت اتحادیه را بدلیل اعمال سیاست کنترل دموکراتیک، شرکت توده اعضا در تصمیمات و تلاش اتحادیه برای پاسخ گویی به خواستها و شکایات اعضای آن میداند.

تا سال ۱۹۸۵ حرکات مهم مبارزاتی اتحادیه بالغ بر ۳۸۰۰ فقره در ۸۵ معدن گردید که ۱۵۰۰ فقره از این اقدامات به رسمیت شناخته شدند. این اقدامات کارگری علیه اخراجها خود سرانه، افزایش قیمتها در فروشگاههای ویژه و برای لغو شغل رزرو برای سفیدپوستان وهم چنین درخواست افزایش دستمزد و جلوگیری از سوانح، سازماندهی شدند.

اتحادیه ملی کارگران معدن، به هنگام انفجار معدن ذغال در هلوبان و وری هید ناتال در سپتامبر ۱۹۸۳ که طی آن ۶۸ معدنکار کشته شدند. قویا عکس‌العمل نشان داد و مبارزه سختی را برای تامین ایمنی وبهداشت در معادن آغاز نمود. اتحادیه خواستار شرکت در تحقیق پیرامون این فاجعه شد. ودرعین‌حال خواستار تصویب لایحه ای در رابطه با مسائل ایمنی و شرکت در کمیسیون مربوط به ایمنی معادن گردید. از سوی دیگر نام ادعای ۶ میلیون خسارت از طرف ۴۲ خانواده کارگری را دنبال نمود و بالاخره درمورد اتفاقات جدی از اعضایش برای اقدام اعتراضی دعوت بعمل آورد. بعنوان مثال توقف کار در معدن رتیز پروپ کولیری در ژانویه ۱۹۸۴ وفوریه ۱۹۸۵ را میتوان نام برد که در اعتراض به مرگ کارگران صورت گرفت.

در فوریه ۱۹۸۶ کنگره ملی نام تصمیم گرفت که اگر اقدامی در جهت حذف شغل رزرو

برای سفید پوستان بعمل نیاید، به اقدامات مبارزاتی مبادرت نماید. در سپتامبر ۱۹۸۶ لایحه اصلاحیه معدن و کار تسلیم پارلمان شد. دبیر کل اتحادیه کارگران سفید معدن که عضو حزب محافظه کار میباشد به همراه رئیس این اتحادیه اقداماتی را علیه لغو سیستم شغل رزرو آغاز نمودند. آنها در مورد احتمال لغو سیستم مزبور به کنگره اتحادیه اخطار کردند و از اعضای اتحادی خواستند نارضایتی خود را از لایحه در شش ماه اعلام نماید. بدین ترتیب صنعت معدن که تکیه گاه اقتصادی آپارتاید و محور کار بر مبنای رنگ پوست محسوب میگردد، هم چنان بر مبنای سیستم تبعیض نژادی اداره میگردد.

نام و نهادهای کارگری مربوط به صنعت معدن خواهان از بین رفتن سیستم شغل رزرو - برای سفید پوستان هستند. برای کل جنبش آزادیبخش ضروریست که برای مبارزه جهت از میان برداشتن سیستم تبعیض نژادی در معادن که ۱۰۰ سال قدمت دارد، تمامی حمایتها را بسیج نماید.

پنجمین کنگره سالانه نام که در فوریه ۱۹۸۷ برگزار شد آینه رشد و استحکام و پختگی سیاسی این اتحادیه بود. ۱۵۰ نماینده از ۱۱ تا ۱۲ منطقه در این کنگره شرکت داشتند. نام که در سال ۸۶ نلسون ماندلا را بعنوان رئیس افتخاری خود انتخاب کرده بود در پنجمین کنگره منشور آزادی را بعنوان سند راهنمای خود در مبارزه علیه سرکوب ملی و استثمار اقتصادی پذیرفته و اعلام کرد که "آپارتاید و سرمایه داری دو شر جدایی ناپذیر هستند و میباید کاملا نابود گردند".

بعضی از نمایندگان در سخنان خود گفتند که "کارگران نباید صرفا برای بهبود شرایط کار در معادن مبارزه نمایند بلکه لازم است برای برقراری یک جامعه سوسیالیستی که توسط طبقه کارگر کنترل گردد نیز مبارزه صورت گیرد." این نمایندگان از نام خواستند که "از درگیریهای سیاسی اجتناب نورزد و از منافع اعضا اتحادیه و کل طبقه کارگر دفاع نموده آنرا پیش ببرد."

کنگره هم چنین خواهان ۵۵ درصد اضافه دستمزد و لغو اضافه کاری بعنوان وسیله بهبود معیشت شد و از کارگران معدن درخواست کرد مخالفت خود را با سیستم کار مهاجر که "ریشه خشونت" در معادن است، بیان نمایند. در عین حال بر ضرورت برقراری کنترل دمکراتیک خوابگاههای کارگری توسط نمایندگان منتخب کارگران تاکید گردید.

کنگره در مورد خشونت در معادن به کمیته شاخه های خود توصیه نمود که واحدهای دفاع تشکیل دهند و از کارگران در برابر حملات آدمکشان مسلح و عناصر ضد نام دفاع نمایند و از کارگران دعوت کرد که امنیت معادن را خود در دست بگیرند.

کنگره برای مبارزه جهت ایمنی و بهداشت معادن، برسمیت شناختن اول ماه مه و ۱۶ ژوئن به عنوان تعطیل رسمی با پرداخت حقوق، لغو حالت فوق العاده و آزادی بازداشت شدگان به جرم فعالیت سیاسی دعوت نمود در عین حال از کارفرمایان خواست که اخذ مالیات بر درآمد و کسر حقوق بابت صندوق بیمه بیکاری را متوقف سازد. کنگره نام سال ۱۹۸۷ را "سال مبارزه کارگران معدن برای به دست گرفتن کنترل زندگی شان در هر سطح" اعلام نمود.

بدون تردید قطعنامه های کنگره اتحادیه ملی کارگران معدن بر کنگره کوساتو در ژوئن تاثیر مهمی برجای میگذارد. کمونیستها و نیروهای مترقی میباید از نام و قطعنامه هایش حمایت بیکپارچه بعمل آورند. این حمایت ها برای تضمین پیروزی آینده جنبش کارگری آفریقای جنوبی اهمیت فوق العاده ای دارد□

ادامه دارد

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

www.iran-archive.com

دنباله از صفحه ۱

... رژیم آزادی کش ولایت فقیه برای حفظ حاکمیت شوم و سیاه خود و برای بزانو درآوردن زندگی، آزاده ترین مردمان کشورمان را که سرتسلیم در مقابل او فرود نیاورده اند، به زندان میافکند و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار میدهند و در این راستا، یعنی برای درهم شکستن اراده انسان های آزاد و پاکباخته گوی سبقت را از همه همتایان تاریخی خود ربوده است. امروز شکنجه در جمهوری اسلامی سیستماتیک و بصورت جمعی و روانی تواما اعمال میشود. ما در اینجا تنها به توضیح انواعی از شکنجه های جسمی که در زندانها عمومیت دارند میپردازیم:

۱ــ شکنجه با استفاده از کابل: کابل عامترین و شناخته ترین ابزار شکنجه در سطح جهان است. حسن زاده سر جلاد اوین در رژیم گذشته، همیشه میگفت کابل تخم کبوتر است و زبان باز میکند. اما اگر برای دشمن تخم کبوتر است وزبان میگشاید، برای انقلاب و توده ها زبان ها را قفل میکند. شکنجه گران رژیم اسلامی از کابل تلفن که اندازه آن ۱۳۰ تا ۱۴۰ سانتی متر است استفاده میکنند. در جمهوری اسلامی برای کابل زدن شکنجه شونده را برخلاف ساواک شاه که به پشت می خواباند، بر روی سینه می خوابانند و علاوه بر کف پا، پشت پا و ساق ها را هم آماج ثلاق قرار میدهند و در مورد فعالین سازمانها برای گرفتن اقرار و کشف روابط سازمانی، فتوای "احزب حتی الموت" یعنی شکنجه تا حد مرگ مراعات میشود. در چنین مواردی دو نفر در پائین تخت، و یک نفر روی تخت قرار میگیرد و شکنجه گران پائین تخت برکف پا و نفر سوم بر پشت پا، ساق و سایر اندامهای میزنند. معمولا با حدود صدضربه ثلاق کف پاها بی حس میشود و دیگر درد ی احساس نمیگردد. تا زمستان ۶۰ در دادستانی اوین، بعد از بی حس شدن پا، زندانی را از تخت باز کرده و میگرداندند تا بی حس بر طرف شود. اما از زمستان ۶۰ نوعی مایع را روی پاهای بی حس شده میریزند و حالت بی حسی فورا رفع میگردد.

۲ــ شکنجه با استفاده از کابل و طناب: در این نوع شکنجه تکیه بر روی فشار طنابی است که به مچ ها بسته میشود. زندانی را چندین ساعت بر تخت میبندند تا در جائیکاه طناب را بر مچها حس کند. درفاصله های معین چند ضربه ثلاق بر کف پاها میزنند و تا بی حسی پاها رفع گردد، زندانی دست و پا بسته را به حال خود میگذارند. برای آزمایش بی حسی پاها یک جسم فلزی مثل ناخنگیر یا دسته چاقو به کف پاها میکشند و با واکنش غیر ارادی پاها نشانه رفع بی حسی است. درد طناب به مراتب شدیدتر از درد ثلاق برکف پاهاست. زیرا بی حسی کامل خیلی دیربسراغ دستهای بسته میآید و زندانی ناچار است درد را تحمل کند.

نگاهی کوتاه به عامترین شیوه های شکنجه در سیاهچالهای رژیم فقها

۳ــ دستبند قپانی: این شکنجه تقریبا سلاح تمام بساز جوهاست. در این نوع شکنجه یک دست زندانی را از پشت کمر بالا کشیده و به دست دیگر که از بالای شانه طرف دیگر آویخته میشود وصل میکنند. دست بند قپانی را برای مدتی نسبتا طولانی میزنند از چند ساعت تا چند شبانه روز که بر روی دستها و قفسه سینه فشار زیادی وارد سازد. با افزایش مدت شکنجه، دستها متورم میگردد و دستبند در گوشت فرو میرود. درد دستبند شدید و سوزناک است و اغلب به قطع اعصاب و یا فلج شدن دستها میانجامد، به طوریکه زندانی مدتها قادر به انجام هیچ کاری با دستهایش نیست.

در بند ۲۰۹ اوین و بند توحید با کمیته مشترک سابق دستبند قپانی بیشتر متداول است. در بند ۲۰۹ زندانی را با دستبند قپانی گاه تا یک شبانه روز و بیشتر میاندازند بدون اینکه به زندانی غذایی بدهند یا برای دستشوئی و توالت دستبند را باز کنند. در بند توحید

◄

www.iran-archive.com

زندانی را در شکنجه گاه بسا کنار حوض ساعتهانگه میدارند و علاوه بر دستبند قهانی پاهـا را هم زنجیر میکنند و هـر مزدوری که از راه میرسدلگدی حوالی این جسـم مجالـه شده میکنـد و حتی به این همه اکتفا نکرده و بارهـا در سرمای زمستان با شیهای سـرد زندانی شکنجه شـده رادرآب حوض فرو میکنند ، بر سروکله اش میکوبند و سپس از آب بیـرون میآورند تا ازسرما بلرزد.

٤ــ آویزان کردن و بیخوابی: آویزان کردن یك شکنجه طولانـی است که جنبه روانی و جسمی دارد و در سیستم شکنجه جای مشخصی را به خود اختصاص داده است . این شکنجه به سه طریق اعمال میشود. در یك حالت دستها رادست بنـد قهانی زده و دست بندرا بـه طناب یا زنجیری که از سقـف آویخته است وصل میکنند. دست سهای از پشت بسته بایـددر شرایط بسیار دشوار وزن بدن را ساعتها تحمل کند و از اینرو اغلب به فلج یا نیمه فلج شدن دستها میانجامد. نوع ملایمتر این شکنجه استفاده از "فانسقه" است . فانسقه را از روی یکی از شانه‌ها به میان پاهاردکرده و با فانسقه آویزان میکنند و یا روی یك پا نگه میدارند.در این شکنجه علاوه برفشار و درد شدید جسمی ، عرق زیادی از سرو روی زندانی سرازیر میشـود . نوع سوم که بابی خوابی همراه است شدیدترین شکنجه از نـوع خود میباشد. در این شکنجه که به قصد از پای درآوردن زندانی صورت میگیرد هر دو دسـت را دستبند زده را به میخ محکمی که بدیوار کوبیده شده اسـت آویزان میکنند. نحوه آویـزان شدن طوری است که دستهابطـور موازی در طرفین سرقرار گرفتـه و سرو صورت بدیوار میچسبـد . در تمام مدتی که زندانـی آویزان است نمیتواند بخوابـد. به محض اینکه بخواب رود بـه یك طرف کشیده شده و سنگیـن بدن دستهای آویخته را بـدر د میآورد.مزدوران رژیم هم بنوبه خود با زدن شلاق به ساق بـر شدت شکنجه و آزار میافزایند. پیش از آویختن زندانی معمولا وی را شکنجه میکنند ودر مدتی که زندانی بدیوار آویزان است به بدلیل عدم تحرك ، پاهایـش بشدت متورم شده و برشدت درد آن اضافه میشود . محل آویـزان کردن در اتاقهای شکنجه با اتاق بازجوهاست و گاهی چندیـن شبانه روز طول میکشد .

۵ــ انواع دیگر شکنجه های جسمی : استفاده از شکنجه بـه هیچ وجه منحصر به انواع یـاد شده بالا نمیباشد! و در ایـن زمینه دهها نوع دیگر رامیتوان نام برد و سیاهه بلندی از انواع شکنجه را ردیف نمود. مثـلا سوزاندن با ابزار برقی یـا استفاده از ابزارهای برقی نظیر پاطوم و یا شوك الکتریکی کـه از راه میزنای وارد مثانـه مینمایند و با هر شـوك درد شدید رعشه ای جانکاه سراسربدن را در برمیگیرد.

فوتبال نیز یکی ازشکنجه های رسمی است . مترادف فوتبـال دست گرمی و یا پذیرای میباشد که در بدو ورود انجام میگیرد در این نوع شکنجه ، زندانی را بمیان جمعی از مـزدوران میاندازندو با مشت و لگد بـه یکدیگر پاسکاری میکننـد . همچنین تجاوز جنسی به کرات انجام میگردد ودر یك مورد یکی از بازجوهای شعبه ۲ دادستانی اوین به یك پسربچه ۱۳ سالـه تجاوز نمود. اخیرا نیز آمپول هوا مدتی است که متداول شده است . آمپول هوا درد بسیـار شدیدی دارد. مثله کردن وکندن پوست سر نیز بارها دیده شـده است. در شهرستان جهرم ازسال ۶۰ تا ۶۲ چندین نفر از عناصر انقلابی را زیر شکنجه هـای وحشیانه مثله کرده و در میـان قناتهای شهر انداختند. علاوه بر اینها نیز بسیاری ازمزدوران شکنجه های اختصاصی دارنـد . با توجه به اینکه شکنجه پایه اساسی و محور رژیم سرکوبگـر فقیهاست تردیدی نمیماند کـه روند آن به لحاظ کیفی و کمی رو به تزاید خواهد بود . امـا به استثنای شکنجه هایی کـه از آنها بعنوان شکنجه های جسمی سیستماتیك یاد کردیم سایـر شکنجه ها نه رواج همگانی دارد و نه میتواند برای سیستم پلیسی

بقیه در صفحه ۱۷

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات زندانیان سیاسی بپاخیزید!

www.iran-archive.com

بایکوت مزدوران رژیم ، جلوه‌ای از نفرت توده‌ها

... مهمی از مبارزه محسوب شده و بایکوت و انزوای دشمن در سطح توده ای نقش زیادی در تضعیف روحیه مزدوران رژیم بازی میکند در حال حاضر این شکل از مبارزه در ابعاد توده ای توسط کارگران و زحمتکشان کرد علیه عوامل رژیم ولایت فقیه بکار گرفته میشود و به همین دلیل کردستان واقعا برای مزدوران فقها حکم جهنمی را دارد که حتی تصور انجام ماموریت در آنجا چون کابوس دهشتناکی روح وجان آنان را درهم شکسته ذره ذره نابود میکند .

مزدوران رژیم اعم از مرد و زن در کردستان ، هر لحظه از عمر ننگین خود را در دریایی از نفرت و کینه میگذرانند که زندگی را بر آنان غیر قابل تحمل میسازد . این انزوا چنان شدید است که خانه و مراکز این مزدوران در واقع حکم زندان را برایشان دارد . در خیابان تاکسی و سایر وسایل نقلیه از سوار کردنشان خودداری میکنند و چه بسیار پاسدار یا آخوندی که پس از مدتها انتظار برای پیدا کردن تاکسی مایوس و درمانده با پای پیاده یا اتوبوس شرکت واحد بسوی مقصد راهی شده اند؛ هر گاه وسایل نقلیه پاسداران تصادف میکنند یا بدلیل اشکال فنی از رفتن باز میمانند ، کسی از اهالی به کمکشان نمی آید . هرگاه ماشین پاسداران با وسیله نقلیه دیگر تصادف میکند یا بچه ای را زیر میگیرد، این امر بهانه ای است برای آنکه مزدور بخت برگشته کتک مفصلی نوش جان نماید. در صف ارزاق و غیره اعتراض وفحش و ناسزا بر سرشان میبارد ؛ تمامی مراسم دولتی مطلقا تحریم میشود که در این میان از جمله باید به نماز جمعه اشاره نمود هیچ مزدوری به تنهایی جرات پای گذاشتن به کوچه پس کوچه های شهرها را ندارد و این رشته سر دراز دارد .

حتی عوامفریبی رژیم ولایت فقیه برای جلب اعتماد مردم و بکار گیری انواع حیله ها برای نفوذ به ذهن و قلب توده ها تماما با شکست روبرو میگردد . بعنوان مثال مزدوران رژیم هر سال در مراسم تاسوعا و عاشورا ۳ کیلو برنج و ۲ کیلو شکر تحت عنوان نذریه در میان مردم پخش میکنند ، اما این تلاش مذبوحانه نیز به جایی نرسیده و نخواهد رسید . شیرینی ناچیز ۲ کیلو شکر هرگز نمیتواند تلخی قتل عام هزاران انسان آزاده ای را که در راه آزادی بدست کثیف رژیم ولایت فقیه بشهادت رسیده اند و نفرت عمیق به جای مانده از آنرا از میان بردارد.

واگر چنین است ، بر عهده تمامی کمونیستها و انقلابیون کرد است که نقش عظیم این شکل از مبارزه را در فرسوده کردن نیروی دشمن و تحکیم همبستگی و ارتقاء روحیه مبارزاتی توده ها دریابند و با سازماندهی هرچه گسترده تر و آگاهانه تر این مبارزه کردستان را به جهنمی سوزنده تر و دهشتناکتر علیه مزدوران رژیم ولایت فقیه تبدیل نمایند □

نگاهی کوتاه به ...

... کسب اطلاع کند .

با این همه اصانسل انقلاب چون کوهی برجای خویش استوار ایستاده است . نسلی که سیاوش وار از میان آتش وخون ۸ سال حاکمیت ننگین فقها سر افراز گذر کرده و به او که بسان مرگ میخواهد نفسها را در سینه حبس کند، تسلیم نمیگردد . به نسبتی که رژیم به قصد نابودی حقوق کارگران و زحمتکشان در سرکوب انقلابیون سر سختی نشان میدهد، نسل کنونی ما نیز به همان نسبت ، در مبارزه برای حفظ حقوق کارگران وزحمتکشان بی هیچ تزلزل، پاسیفت کرده است !چنین است کارنامه درخشان و افتخارآفرین این سلان گردن فراز تاریخ !

افتخار و سربلندی بر آنها !

و مرگ ونفرت بر دشمنانشان !

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست !

www.iran-archive.com

دو خبر

★ طبق اخبار واصله ازگورک مهاباد، رژیم جنایتکار فقها جدیدا سیاست دستگیری وشکنجه خانواده‌های پیشمرگان رابه علت وحشت از فعالیت نیروی پیشمرگه در این منطقه شدت داده است روزی نیست مزدوران گروههای به اصطلاح غربت به خانه های روستائیان نریخته وبه آزار و اذیت خانواده های مبارز پیشمرگان نپردازند. در ماه گذشته چندین مورد مزدوران جمهوری اسلامی در روستاهای بیرام، گرده بردن، قزلجه و سایر روستاها ومحلات شهر مهاباد پدر و مادر پیشمرگان را گرفته و بعد از اذیت و آزار و شکنجه‌های فرون‌وسطایی تهدیدشان کرده اند که اگر فرزندانشان را تحویل ندهید بار دیگر دستگیر و زندانی خواهیدشد □

سکتاریسم مزمن ...

و تعهد مبارزاتی نویسنده را باید پس از اتمام مقاله انجام داد. چرا که اگر خواننده بخت برگشته محتاطانه عمل نکند، دو سطر آن طرفتر آنچنان ضربه ای از دیوارعبور ناپذیر سکتاریسم خواهد خورد که ممکن است پاک روحیه خود را ببازد و امید خود را برای تامین اتحاد گرایشات درون جنبش کارگری از دست بدهد! اگر باور نمیکنید به ادامه مطلب توجه نمائید و ضربه را از آقای مقدم دریافت کنید:

"مطالبات اساسی و ضروری قانون کار موردنظر حزب ما متعلق به گرایش کمونیستی در جنبش کارگری است." و اما قضیه هنوز تمام نشده است:

"برجم مطالبات قانون کار دمکراتیک سالها در دست کارگران کمونیست بوده است و در تمامی شرایط ودر تقابل با دیگر گرایشات برای آن مبارزه کرده اند." (تاکید ازما)

واقعا که اشعار است، تناقض آنچنان شدید است که ناگهان نویسنده محترم از اوج منطق ونگرش همه جانبه به حضیض ضد منطق وتنگنا نظری سقوط میکند. اگر در گذشته نظریه پردازان حزب کمونیست کومه‌له از این شماره به آن شماره نشریه کمونیست غیر موضوع میدادند، اینک بواسطه تلفیق "استادانه" مواضع انحلال طلبانه سوسیال دمکراتیک و فرقه‌گرایی و سکتاریسم پوپولیستی به آن چنان "پیشرفت" محیر العقولی نائل گشته اند که در یک مقاله چند ستونی و از این سطر به آن سطر مدوهشتاد درجه عقب گرد کرده و آنچه را که یافته اند با یک چرخش قلم تماما رشته میکنندو حاصل آنکه آقای مقدم برای حل تناقض درمواضع حزب کمونیست کومه‌له و برای لاپوشانی عدم تعهد این حزب در پاسخگویی به نیازهای حیاتی جنبش کارگری و ضدیت با تقویت ومتحدساختن صفوف آن، بیش از گذشته به تناقض گویی میافتد و مشت حزب متبوعش را بیشتر باز میکند:

درست است که برای اتحادطبقه کارگر باید شعارهای فراگیر و عمومی مطرح ساخت اما حزب ما (کمونیست کومه‌له) شعارها و مطالبات متعلق به گرایش کمونیستی را مطرح میکند. این درست است که باید تمامی گرایشات درون جنبش کارگری متحد شوند. اما حزب ما (کمونیست کومه‌له) در تقابل با گرایشات دیگر مبارزه میکند و ....

★ موج مخالفتهای عمومی علیه جنگ درمیان سربازان و پرسنل صلح دوست ارتش همچنان روبه گسترش است، بنابه گزارشات واصله طی ۵ ماه گذشته ۵۰ تن ازافسران ودرجه داران وابسته به لشکر نوهد که در کردستان مستقراست، فرار کرده اند. گسترش مخالفتهای عمومی علیه جنگ درمیان سربازان، افسران جزء ودرجه داران وبالارفتن روحیه صلح طلبی وموج انزجارعلیه حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه درحالیست که فقهاتلاش نوین وجنایتکارانه رابرای داغ نگهداشتن تنور جنگ آغاز کرده اند. بی تردید سربازان، درجه داران وافسران مترقی ارتش با حرکات اعتراضی خودو ترک صفوف مزدوران رژیم میتوانندنقش مهمی درعقیم گذاردن تلاشهای جنگ طلبانه فقها ایفا نمایندوبرکارگران وزحمتکشان کشورمان است که دراین راستا، باتمام توان خود به حمایت از آنان برخیزند و فراریان ازجبهه های مرگ و نیستی را در پناه خود گیرند□

www.iran-archive.com

کارگران کردستان و ...

به نرخ دولتی کالاها را مشخص می نماید و لذا شامل قیمت آزاد اجناس و نرخ واقعی آنها نیست. در اثبات این مدعا کافیست متذکر شویم نرخ دولتی شورم که توسط بانک مرکزی تعیین شده تفاوت کیفی بین قیمت کالاها در طی چند سال گذشته را نشان نمیدهد. بدین ترتیب اصل تعیین حداقل دستمزد متناسب با تورم که ظاهرا در لایحه جدید کار پذیرفته شده با تبصره های ضد و نقیض زیر پا گذارده میشود.

لایحه جدید کار چه بصورت قانون درآید و چه مانندلایحه اصلاحات ارضی پس از مدتها رفت و آمد بین مجلس و شورای نگهبان معوق بماند، از هم اکنون روشن ساخته که در مقابل منابع و درخواستهای کارگران قرار دارد و مبارزه طبقه کارگر در جهت قانون کار انقلابی از کانال نفی این لایحه ارتجاعی می گذرد. کارگران کردستان بهمراه سایر اقشار طبقه کارگر در کشور ماتنها و تنها با بدست گرفتن پرچم یک قانون کار انقلابی دمکراتیک، قانونی که بر مبنای حقوق و منافع طبقه کارگر تنظیم شده باشد میتوانند در مقابل رژیم فقها و سرمایه داران زالو صفت صف آرائی کنند. شرط پیروزی چنین مبارزه شکوهمندی اتحاد، تماس بخشهای طبقه کارگر و اتحاد کلیه کارگران شاغل و بیکار است. در نبرد مرگ وزندگی وحدت و تشکیلات تنها سلاح طبقه کارگر است. آنرا بدست گیریم و رژیم ددمنش و ضد کارگر ولایت فقیه را بزانو در آوریم □

تشکلهای پایدار ...

از کارگران متمرکز نمائیم. بویژه خدمات دولتی مانند آب و برق از اهمیت استراتژیک برخوردارند و مبارزات آنان می تواند ضمن آنکه تاثیرفلج کننده بر فعالیتهای اقتصادی بگذارد سریعا منعکس شده ودر میان کارگران وزحمتکشان روحیه مبارزاتی وهمبستگی را افزایش دهد.

از میان کارگران فصلی نیز کارگران متخصص ساختمانی از سطح آگاهی و سابقه مبارزاتی برخوردارند. در عین حال کارگران کوره پزخانه ها نیز از تمرکز و روحیه مبارزاتی بالایی برخوردارند که فعالیت میان آنان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. هم چنین آن بخش از کارگران مهاجر کردی که به خارج از کردستان بویژه مناطق صنعتی بدنبال کار میروند، نیز باید مورد توجه قرار گیرندو این کارگران از یکسو می توانند ارتباط میان کارگران کرد و کارگران سایر مناطق را برقرار کنند و از سوی دیگر حامل تجربیات و آگاهی بالاتر کارگران پیشرو کارخانجات بزرگ صنعتی هستند که برای پیشبرد امر مبارزه و سازماندهی کارگران کردستان بسیار ارزشمند است.

بدین ترتیب بنابر آنچه گفته شد اولویت بندی وبرنامه فعالیت ما در رابطه با ایجاد تشکلهای سندیکائی در میان کارگران کردستان عبارت است از:

۱) استقرار درکارخانجات صنعتی و بخشهای صنعتی و متمرکز خدمات دولتی.

۲) گسترش فعالیت درمیان کارگران کوره پزخانه ها و کارگران ساختمانی متخصص.

۳) فعالیت میان کارگران مهاجری که برای یافتن شغل به استانهای صنعتی کشور سفر میکنند □

ادامه دارد.

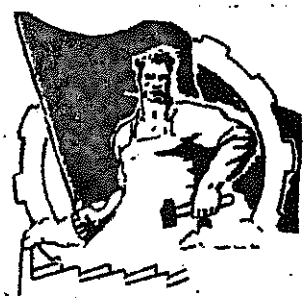

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

www.iran-archive.com

برای تماس با

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و

صدای کارگر

با آدرس زیر مکاتبه کنید

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS_Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1BERLIN 65
w.Germany

صدای کارگر
رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش می گردد.
برنامهٔ هر شب، ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.
برنامهٔ ویژه جمعه از ساعت ۹ شب پخش می شود.
ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

برای تماس با سازمان از خارج کشور، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ — ۳۰ — ۴۹ دوبرلین غربی تماس بگیرید. بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی، مطلقا تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.

کارگران سیاه علیه سلطه ترور می رزمند (۱)

صفحه ۱۱

تکصفحه‌ای

سکتاریسم مزمن حزب کمونیست کومه‌له
و ضرورت اتحاد
گرایشات درون جنش کارگری

در صفحه ۱۰

با کمک‌های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

کمونیسم علیه سوسیال دمکراسی

نقدی بر دیدگاههای حزب باصطلاح کمونیست کومه‌له پیرامون "مارکسیسم و مسئله شوروی"

بابا علی

کارگران همه کشورها متحد شوید!

طرح برنامه